



## رابطه تعهد زناشویی و کیفیت زندگی مادران با سبک‌های دلبستگی فرزندان

فاطمه سالاری<sup>۱</sup>

### چکیده

بحث رابطه میان فرزندان و پدر مادرها مدت زیادی است توجه متخصصین روانشناسی و تعلیم تربیتی را جلب کرده است. رابطه والد فرزندی یک رابطه اساسی و حیاتی جهت به وجود آوردن امنیت و عشق است. دلبستگی یک عمل دو طرفه از ارتباط هیجانی است که بر رشد روانشناختی فیزیکی و شناختی کودک اثر میگذارد و پایه‌ای در جهت اعتماد و بی‌اعتمادی کودک محسوب می‌شود. رابطه صریح داشتن در خانواده و مهارت مشارکت و همفکری و درک احساسات برای رشد ظرفیت روانی کودک در تنظیم فکرها و عواطف او لازم است. پژوهش حاضر به بررسی رابطه تعهد زناشویی و کیفیت زندگی مادران با سبک‌های دلبستگی فرزندان پرداخته است. این مطالعه توصیفی در سال ۹۹ بر روی ۲۰۰ زن ساکن مشهد که حداقل ۵ سال از زندگی مشترک آن‌ها می‌گذرد انجام شد. در این پژوهش از پرسشنامه سبک دلبستگی هازن و شیور (۱۳۸۷)، پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷) و پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی استفاده شد. بر اساس ضریب همبستگی پیرسون میان سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با تعهد زناشویی و همچنین کیفیت زندگی مادران ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. میان تعهد زناشویی و همچنین سبک دلبستگی ایمن با کیفیت زندگی مادران ارتباط مثبت و معنی‌دار وجود دارد ( $P < 0.05$ ). بر اساس نتایج مطالعه، هر چه سبک دلبستگی ایمن بالاتر باشد تعهد شخص افزایش می‌یابد و همچنین اگر دلبستگی شخص بیشتر اجتنابی و اضطرابی باشد، تعهد شخصی او کم‌تر است.

**کلید واژه‌ها:** تعهد زناشویی، کیفیت زندگی مادران، سبک‌های دلبستگی

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد، روانشناسی، حکمت رضوی (نویسنده مسئول)

## مقدمه

با اهمیت‌ترین مرکز پرورش درست برای احیاء و رشد استعدادهای کودکان محیط خانواده است پدر و مادرها بخش زیادی از پرورش درست عقل و عاطفه که ستون اساسی سعادت انسان را بنا می‌کند به عهده دارند. ارتباط والدین با فرزندان به وجود آورنده‌ی امنیت و عشق است. به عبارتی ارتباط مادر پدر با کودک اولین معرف دنیای ارتباطات برای کودک است. این موضوع تأثیر زیادی بر همه‌ی جنبه‌های زندگی مثل: جسم، ذهن، هیجانات، ارتباطها و ارزش‌های شخص دارد. دلبستگی یک عمل دوطرفه از ارتباط هیجانی است که اعتماد و بی‌اعتمادی کودک را شامل می‌شود. اگر این فرآیند گسیخته باشد امکان دارد کودک در ایجاد کردن مبنای ایمنی که مورد نیاز بهداشت روانی کودک در بزرگسالی است شکست بخورد (هین شاو ۱۹۹۲). پیوند عاطفی بین مادر و کودک تأثیر بسیاری در خود تنظیم‌گری عاطفی، اجتماعی، و رفتاری کودک می‌گذارد و ارتباط دلبستگی مادر- کودک مسئول تنظیم تجربیات عاطفی و رفتاری کودک است (خانجانی، ۱۳۸۸). (بالبی، ۱۹۸۰) بر این باور است که کیفیت تعامل‌های مکرر شخص با مراقبان اولیه به تشکیل مدل‌های درونکاوای ختم می‌شود. نظریه دلبستگی درباره مدل‌های درونکاوای که در زمان کودکی ایجاد می‌شود خیلی باثبات و پایدار است و به ارتباط‌های زمان جوانی و نوجوانی کشیده می‌شود طوری که تجربه‌ها، ادراک و رفتارهای شخص را هدایت می‌کنند (ماره لو، ۲۰۰۴). در راستای این که کودکی مورد محبت مراقبت کننده قرار گیرد و خواسته‌های بیولوژیکی او تأمین شود احساس اعتماد و ایمنی به مراقبت‌کننده بنا و پایه دلبستگی سالم و صحیح می‌شود. اینسوورث سه سبک دلبستگی کلی را مطرح کرده است: الف) دلبستگی ایمن ب) دلبستگی نایمن اجتنابی ج) دلبستگی نایمن دموگرا. این الگوهای ارتباطی در بزرگسالی مانند سبک‌های دلبستگی کودکی است. از مؤلفه‌هایی که در این پژوهش بر سبک دلبستگی تأثیر می‌گذارد می‌تواند به تعهد زناشویی و کیفیت زندگی اشاره کرد. هر ازدواج موفق دارای سه بخش مهم تعهد، جاذبه، تفاهم است. تعهد زناشویی محکم‌ترین و پایدارترین دلیل پیش‌بینی‌کننده‌ی کیفیت زندگی و ثبات ارتباط زناشویی است. پژوهشگران دریافتند که کیفیت زندگی یکی از پیامدهای ارزیابی سلامت است. بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی کیفیت زندگی اینگونه است شخص طبق تجربه و ویژگی‌های ژنتیکی و درک ذهنی از خوب و بد کیفیت زندگی را معنی می‌کند کیفیت زندگی دارای چند بعد سلامت جسمی، سلامت روانی، سلامت اجتماعی، سلامت معنوی می‌شود و با بیماری و درمان در ارتباط است. ما در این پژوهش قصد داریم بررسی کنیم آیا تعهد زناشویی و کیفیت زندگی مادران بر سبک‌های دلبستگی فرزندان تأثیر دارد.

## مواد و روش کار

**روش پژوهش:** پژوهش‌ها از نظر هدف کاربردی از حیث روش توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد.

**جامعه آماری / روش نمونه‌گیری / حجم نمونه:** پژوهش شامل کلیه زنان متأهل شهر مشهد است که حداقل ۵ سال از زندگی مشترک آن‌ها گذشته است. نمونه پژوهش بر روی ۲۰۰ نفر انجام شده است روش نمونه‌گیری به صورت در دسترس است.

**ابزار پژوهش:** از پرسشنامه سبک دلبستگی هازن ویشور (۱۳۸۷)، پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی و پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷) استفاده شد

پرسشنامه سبک دلبستگی هازن ویشور؛ این پرسشنامه ابزار دقیق و رایج برای سنجش سبک‌های دلبستگی است (عارف نظر و مظاهری، ۱۳۸۴). دارای ۲ بخش است، در بخش یک آزمودنی‌ها بر روی یک پیوستار از نمره‌ی ۱ کاملاً مخالفم تا نمره‌ی ۷ کاملاً موافقم وضعیت خود را در ارتباط با توصیف دلبستگی تعیین می‌کنند سه سبک اندازه‌گیری شده در این مقیاس شامل ۱)

سبک دلبسته ایمن، ۲) سبک دلبسته نایمن اجتناب‌گر ۳) سبک دلبسته نایمن مضطرب در بخش دوم شخص یکی از سه توصیف را به عنوان سبک غالب خود انتخاب می‌کند.

۱) بزرگسال ایمن نسبت به دیگران راحت صمیمی می‌شود و در صورت دلبستگی ۲ طرفه حس آرامش دارد آنان اکثراً در مورد ترک دیگران و زیاد صمیمی شدن دیگران با آنها نگران نیستند.

۲) بزرگسال نایمن اجتنابی، به راحتی با دیگران صمیمی نمی‌شوند برای آن‌ها سخت است به دیگران اعتماد کنند در صورت صمیمیت دیگران با آن‌ها عصبانی می‌شوند.

۳) بزرگسال نایمن دوروگرا/مضطرب متوجه می‌شوند که سایرین به آن مقدار که آن‌ها علاقه‌مند هستند نمی‌خواهند با آن‌ها صمیمی شوند. اکثراً نگرانی دارند که همسرشان آن‌ها را به شکل واقعی دوست ندارد. آن‌ها می‌خواهند به صورت کامل با سایرین از نظر عاطفی درآمیزند و این اتفاق باعث می‌شود مردم از آن‌ها دوری کنند.

بالدیون و فهر (۱۳۸۳) پایایی کلی را برای این مقیاس ۰/۷۶ و مقدار آلفای کرونباخ برای هر یک از سبک‌های دلبستگی ایمن اجتنابی دوروگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۵۷ و ۰/۳۲ گزارش کردند. و همچنین خوانی زاده و همکاران ۱۳۸۳ هم در تحقیقی آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۶۴ به دست آورد (بایرامی، حشمتی، محمدپور همکاران، ۲۰۱۲) هماهنگی درونی این سه توصیف در حد بالا بیانگر است که هر توصیف توصیفی متفاوت از توصیف دیگر را مطالعه می‌کند به این خاطر که همبستگی دلبستگی ایمن با دلبستگی اجتنابی ۰/۱۰ و با دلبستگی اضطرابی ۰/۵۴ و همین طور همبستگی دلبستگی اجتنابی با دلبستگی اضطرابی ۰/۱۴ بود. ثبات آزمون-آزمون مجدد برابر ۰/۶۰ بود. پاکدامن ۱۳۸۳ در پژوهش خود بر روی یک نمونه‌ی ۱۰۰ نفری (۵۰ دختر و ۵۰ پسر) صورت گرفت اعتبار آن توسط آزمون-بازآزمون به ترتیب برای دلبستگی اضطرابی/دوسوگرا، اجتنابی، وایمن برابر ۰/۷۲، ۰/۵۶ و ۰/۳۷ و میزان آلفای کرونباخ هم برابر ۰/۷۹ ثبت شد که این میزان اعتبار تقریباً بالایی را نشان می‌دهد (به نقل از مویدفر، آقامحمدیان، طباطبایی ۱۳۸۶، زاهدیان، محمد، سامانی، ۱۳۹۰).

پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز

این پرسشنامه سال ۱۹۹۷ طراحی شده و ۲۴ پرسش دارد و سه بعد تعهد زناشویی را می‌سنجد، شامل تعهد فردی که تعهد نسبت به همسر حاکی از جذابیت همسر است. پرسشنامه روی مقیاس پنج درجه‌ای کیلرت نمره‌گذاری می‌شود (کاملاً مخالفم نمره ۱ تا کاملاً موافقم نمره ۵). در این پرسشنامه بالاترین نمره‌ای که شخص ممکن است بگیرد برابر با ۱۷۲ و کم‌ترین نمره ۴۴ است گرفتن نمره نزدیک به ۱۷۲ نشان می‌دهد که تعهد بالا وجود دارد و گرفتن نمره نزدیک به ۴۴ یعنی سطح تعهد پایین است. محمدی ۱۳۹۲ در تحقیق خود آلفای کرونباخ کل پرسشنامه را ۰/۸۷ به دست آورد.

پرسشنامه کیفیت زندگی: ۴ بعد (۱ سلامت فیزیکی ۲ سلامت روانی ۳ روانی اجتماعی ۴ سلامت محیط را می‌سنجد. این پرسشنامه با ۲۴ پرسش ارزیابی می‌شود هر کدام از حیطه‌ها به ترتیب ۷، ۶، ۳ و ۸ پرسش دارند. دو پرسش نخست به هیچ کدام از حیطه‌ها متعلق نیست و وضعیت سلامت و کیفیت زندگی را به طور کلی می‌سنجد در نتیجه این پرسشنامه دارای ۲۶ سؤال بوده بعد محاسبه‌های آزاد هر موضوع امتیازی معادل ۴-۲۰ برای هر حیطه به تفکیک کسب می‌شود. که در آن ۴ علائم بدترین و ۲۰ علائم بهترین وضعیت حیطه مورد نظر است این امتیازها قابل تبدیل به امتیازی با دامنه ۰-۱۰۰ هستند.

روایی محتوا: نخست پرسشنامه ۲ بار به فارسی ترجمه شده که در آخر یک نسخه نهایی فارسی به دست آمد این نسخه به طور جداگانه ۲ بار به انگلیسی ترجمه شد از این دو نسخه یک نسخه نهایی انگلیسی به دست آمد که با پرسشنامه اصلی مورد قیاس قرار گرفت. مقادیر پایایی با شاخص همبستگی درون خوشه‌ای در حیطه سلامت فیزیکی ۰/۷۷، در حیطه روانی ۰/۷۷، در حیطه روانی اجتماعی ۰/۷۵ و در آخر در حیطه سلامت محیط برابر با ۰/۸۴ بود.

**روش تجزیه و تحلیل:** برای توصیف داده‌های گردآوری شده به وسیله نرم افزار SPSS اطلاعات تجزیه و تحلیل شدند و به وسیله جدول توزیع فراوانی طبقه‌بندی و خلاصه شد. برای مطالعه این پژوهش از همبستگی پیرسون استفاده شد.

#### یافته‌ها

می‌خواهیم در این قسمت از پژوهش اطلاعات جمع‌آوری شده را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم و در مورد فرضیه‌ها نتیجه‌گیری کنیم. به وسیله نرم افزار SPSS16 در دو سطح توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل انجام شد. برای توصیف داده‌ها به وسیله SPSS16 شاخص‌های میانگین، میانه، انحراف استاندارد به کار برده شده و برای مطالعه روابط در سطح استنباطی ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. طبق جدول ۱ از تعداد ۲۰۰ نفر، ۱۱ نفر دیپلم، ۱۲۰ نفر لیسانس، ۶۸ نفر فوق لیسانس و ۱ نفر دکتری داشتند که بیشترین فراوانی در مقطع لیسانس است و فراوانی ۱۲۰ شد. میانگین اشخاص ۱/۵۱ انحراف معیار ۰/۷۶ به دست آمد.

جدول (۱): فراوانی آزمودنی‌ها بر اساس تحصیلات

فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتری
۱۱	۱۲۰	۶۸	۱

جدول (۲): ضریب همبستگی پیرسون تعهد زناشویی مادران با سبک دل‌بستگی فرزندان

سبک دل‌بستگی فرزندان	مقدار همبستگی	مقدار معناداری
ایمن	۰.۳۵	۰/۰۰۰
اجتنابی	-۰.۲۴	۰/۰۰۲
دوسوگرا	-۰.۲۳	۰/۰۰۱

یافته‌های مربوط به فرضیه اول میان تعهد زناشویی با سبک دل‌بستگی ایمن ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد جهت آزمون اول از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و طبق نتایج میان سبک دل‌بستگی اجتنابی و دوسوگرا و تعهد زناشویی ارتباط منفی و معنادار وجود دارد ( $p < ۰/۰۵$ ). دل‌بستگی اجتنابی با تعهد زناشویی ارتباط منفی معنادار دارد یعنی اگر سبک اجتنابی بالا برود تعهد زناشویی پایین می‌آید و معکوس است.

جدول (۳): ضریب همبستگی پیرسون بین کیفیت زندگی مادران با تعهد زناشویی

کیفیت زندگی مادران	مقدار همبستگی	مقدار معناداری
کیفیت زندگی مادران	۰.۲۲	۰/۰۰۱

طبق نتایج به دست آمده میان تعهد زناشویی و کیفیت زندگی مادران ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد ( $p < ۰/۰۵$ ). هر چه تعهد زناشویی بالا برود کیفیت زندگی مادران بیشتر می‌شود جهت آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی استفاده کردیم.

جدول (۴): ضریب همبستگی پیرسون بین کیفیت زندگی مادران و سبک دل‌بستگی فرضیه سوم

سبک دل‌بستگی فرزندان	مقدار همبستگی	مقدار معناداری
ایمن	۰.۲۰	۰/۰۰۵
اجتنابی	-۰.۱۲	۰/۰۰۱
دوسوگرا	-۰.۱۷	۰/۰۰۱

طبق نتایج به دست آمده میان سبک دل‌بستگی ایمن و زندگی مادران ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد اگر سبک دل‌بستگی ایمن بالا برود کیفیت زندگی مادران هم افزایش پیدا می‌کند و طبق جدول میان سبک دل‌بستگی اجتنابی و دوسوگرا و کیفیت زندگی مادران ارتباط منفی و معنادار وجود دارد یعنی هر چه سبک دل‌بستگی اجتماعی و دوسوگرا بالا روند کیفیت زندگی مادران کاهش پیدا می‌کند.

### نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های مطالعه، ما به این نتیجه رسیدیم که بین سبک دل‌بستگی ایمن با تعهد شخص ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد هر چه سبک دل‌بستگی ایمن بالاتر باشد تعهد شخص افزایش پیدا می‌کند تعهد شخص در ازدواج یعنی فرد تداوم



زرین کلک، ح، طباطبایی برزکی، س (۱۳۹۱). رابطه سبک دلبستگی و شیوه های والدگری ادراک شده با تجربیات معنوی و اعمال مذهبی، مجله روانشناسی تحولی: روان شناسی ایرانی، ۳۰۵-۳۱۳، ۸(۳۱)

زینالی، ع (۱۳۹۲). تاثیر شیوه های تربیتی والدین برنوع دلبستگی فرزندان، فصلنامه خانواده پژوهی، ۶۳-۸۱، ۹(۳۳)

شاه حسینی تازیک سعید، صیادی معصومه، طاهری نجمه. تعهد زناشویی و کیفیت ارتباط در زوجین بارور و نابارور. افق دانش. ۱۳۹۸؛ ۲۵ (۳): ۱۸۴-۱۹۷

شیخ الاسلامی، ع و همکاران (۱۳۹۶). پیش بینی تعهد زناشویی براساس رضایت جنسی، سلامت معنوی: نقش میانجی مسئولیت پذیری، دوره ۵، شماره ۱، سال ۹۶، صفحه ۲۱-۳۱

قائدی فر. ح، عبدخدائی م، آقامحمدیان. ح (۱۳۹۲). "نقش میانجی گری احساس انسجام روانی در رابطه ی سبکهای دلبستگی با خودتنظیمی"، فصلنامه علمی- پژوهشی در سلامت روان شناختی دوره هفتم، شماره اول

کمیحانی. م (۱۳۸۸). "مقایسه سبکهای دلبستگی در نوجوانان عادی و نوجوانان کم توان ذهنی آموزش پذیر"، دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی دانشگاه واحد آزاد اسلامی اصفهان، شماره ۴۱، صص ۶۹-۹۱

محمدی، ب (۱۳۹۲). پیش بینی تعهد زناشویی براساس طرحواره های ناسازگار اولیه و رضایت زناشویی و نگرش مذهبی در زوجین ساکن شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علم و فرهنگ

نجات، س (۱۳۸۷)، کیفیت زندگی و اندازه گیری آن، مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، ۱۳۸۷، دوره ۴، شماره ۲، صفحات ۵۷-۶۲

نریمانی، محمد، یوسفی، فاطمه، کاظمی، رضا (۱۳۹۳). نقش سبکهای دلبستگی و کیفیت زندگی در پیش بینی بهزیستی روان شناختی نوجوانان مبتلا به ناتوانی های یادگیری. ناتوانی های یادگیری، ۳(۴)، ۱۲۴-۱۴۲. doi: 93-3-4-8

هادی، سعیده، اسکندری، حسین، سهرابی، فرامرز، معتمدی، عبدالله، فرخی، نور علی. (۱۳۹۵). مدل ساختاری پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس سبکهای دلبستگی و متغیرهای میانجی خودکنترلی و طرحواره های ناسازگار اولیه (در افراد دارای روابط فرازناشویی عاطفی). فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۷(۲۸)، ۳۳-۶۰. doi: 10.22054/qccpc.2017.7090

هادی، س و همکاران (۱۳۹۵)، مدل ساختاری پیش بینی تعهد زناشویی براساس سبکهای دلبستگی و متغیرهای میانجی خودکنترلی و طرحواره های ناسازگار اولیه

- Albert, D., & Steinberg, L. (2011). Judgment and decision making in adolescence. *Journal of Research on Adolescence*, 21(1), 211-224
- Baumrind, D. (1991). Effective parenting during the early adolescent transition. In P. A. Cowan & E. M. Hetherington (Eds.), *Family transitions*.
- Bottonari, K. A., Roberts, J. E., Kelly, M. A., Kashdan, T. B., & Ciesla, J. A. (2007). A prospective investigation of the impact of attachment style on stress generation among clinically depressed individuals. *Behavior Research and Therapy*, 45, 179-188
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and Loss, Vol. 1. Attachment*. New York: Basic Books
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and Loss, Vol. 2. Mourning and Melancholia*. New York: Basic Books
- Darling, N. (1999). Parenting style: Its correlates. *ERIC Digest ERIC Clearinghouse on Elementary and Early Childhood Education*.
- Davison, G. C. (2005). *Abnormal psychology*. New York: John Wiley
- Feeney, J. A., & Noller, P. (1990). Attachment style as a predictor of adult romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 282-292
- Feeney, J. A., & Noller, P. (1990). Attachment style as a predictor of adult romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 282-292
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 42, 511-542
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 42, 511-542
- Hoeve, M., Dubas, J., Eichelsheim, V., van der Laan, P. H., Smeenk, W., & Gerris, J. R. M. (2009). Attachment in child psychology. *2009: 37(6): 749-75*
- Lee, G. A. (2008). Patients reported health-related quality of life five years post coronary artery bypass graft surgery—a methodological study. *Eur J Cardiovasc Nurs*, 2008;7(1):67-72
- Ludt, S., Wensing, M., Szecseny, J., van Lieshout, J., Rochon, J., Freund, T., et al. (2011). Predictors of Health-Related Quality of Life in Patients at Risk for Cardiovascular Disease in European Primary Care. *PloS One*, 2011;6(12):
- Maccoby, E. E. (1984). Socialization and development change. *Child Development*, 55, 517-52
- Modecki, K. L. (2008). Addressing gaps in the maturity of judgment literature: Age differences and delinquency. *Law and Human Behavior*, 32(1), 78-91.
- Shaver, P. R., Mikulincer, M. (2010). New Directions Attachment Theory and Research. *Journal of social and personal Relationships*, 2010;27(2):163-72.
- Shaver, P. R., Mikulincer, M. (2010). New Directions Attachment Theory and Research. *Journal of social and personal Relationships*, 2010;27(2):163-72.
- Vaziri, S., Jomehri, F., & Farrokhi, N. (2014). Identity styles and sense of coherence: the role of identity processing strategies in global orientation to life. *Bull. Env. Pharmacol. Life Sci*, 3(11): 253-257.
- WHO Quality of life group. WHOQOL-BREF introduction, Administration and scoring. field trial version, world health organization. Geneva: 1996